

مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های خیابانی در

شهرستان بندرعباس

احمد بخارایی¹، بهرام بیات²، طاهره پریانی³

تاریخ دریافت: 1395/02/25

تاریخ پذیرش: 1395/05/24

از صفحه 97 تا 118

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم،
شماره دوم (پیاپی سی و چهارم)، تابستان 1395

چکیده

مقدمه: نزاع و درگیری اجتماعی یکی از مهمترین عوامل تنش زای هر جامعه محسوب می شود که تاثیرات غیر قابل انکاری بر شرایط و بحران های اجتماعی دارد. شهر بندرعباس یکی از شهرهایی است که با این پدیده مخرب رو به روست و روزانه نزاع و درگیری خیابانی به وفور در این شهر نمایان است. در این تحقیق بر آنیم تا این پدیده اجتماعی را با نگاهی جامعه شناختی تحلیل کرده و عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز این آسیب اجتماعی را بشناسیم.

روش: روش تحقیق این پژوهش روش پیمایش بوده و داده های تحقیق نیز با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه مردان 15 تا 50 ساله شهرستان بندرعباس هستند که 383 نفر به عنوان نمونه تعیین شدند. شیوه نمونه گیری این تحقیق روش نمونه گیری خوشه‌ای است.

یافته ها: یافته های این پژوهش نشان می دهد که بین متغیر تعاملات مثبت، انسجام اجتماعی، متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و درآمد متوسط خانواده) و گرایش به نزاع خیابانی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ و از سوی دیگر بین وضعیت اشتغال و کنترل خانواده با گرایش به نزاع رابطه معنی‌داری وجود ندارند.

نتیجه‌گیری: با افزایش تعاملات مثبت، ارتقاء انسجام اجتماعی باعث کاهش نزاع و درگیری در شهر بندرعباس می شود. اما با توجه به شرایط گذار و آنومیک جامعه، باید انتظار داشت که تمام متغیرهای سطوح خرد، میانی و کلان فعال شوند. تاثیر متقابل سطوح مذکور می‌تواند وضعیت جامعه مورد مطالعه را در حد معمول نگه دارد و مانع از فرسایش انسجام جامعه و شرایط معمول آن گردد.

کلیدواژه‌ها: نزاع‌های خیابانی، کنترل خانواده، آنومی اجتماعی، انسجام اجتماعی، هوش فرهنگی.

1-دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور - (نویسنده مسئول) Bokharaei_ah@yahoo.com

2- عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

3- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه پیام نور واحد پرند



نزاع به‌عنوان ناسازگاری اهداف یا ارزش‌های بین دو یا گروه بیشتری در یک رابطه اجتماعی تعریف می‌شود که با تلاش جهت کنترل دیگران و احساسات متخاصم نسبت به همدیگر همراه است (Fisher, 2000:13). نزاع، کشمکش بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب است که در آن گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کنند (Miller, 2005:22؛ به نقل از عشایری). امروزه نزاع‌های خیابانی یکی از شاخص‌های خشونت در جامعه تلقی می‌شود که بین افراد به وقوع می‌پیوندد و همه ساله بر اساس آمار و اخبار، تعدادی قربانی می‌گیرد و پیامدهای آن تأثیرات مخربی بر اوضاع فرهنگی- اجتماعی هر کشوری دارد. نزاع اجتماعی از موضوعات پیچیده‌ای هستند که با سایر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی در درون یک جامعه درهم تنیده‌اند که اگر به‌خوبی مدیریت نشوند، می‌تواند تأثیر منفی بر محیط، دارایی و قابلیت‌های مردم که بقایشان را تضمین می‌کند؛ داشته باشد (بولدینگ¹، 1962:5). اضمحلال فرهنگ و سنت پیشین و عدم جایگزینی به‌موقع هنجارهای مناسب باعث شده تا افراد در شرایطی غیر معمول عنان رفتار خود را از دست داده و خشونت را شکل دهند. این پدیده از یک بگو مگوی ساده تا گلاویز شدن افراد و در نهایت تا قتل افراد را به‌دنبال دارد. تبعات چنین پدیده‌ای بسیار مهم و درخور توجه است. با بروز نزاع و خشونت در سطح فردی نمی‌توان منتظر امنیت و آرامش روانی افراد بود و انواع بیماری‌های روان‌تنی، اضطراب، دلهره و سایر بیماری‌ها در درون افراد رسوخ خواهد کرد. ضرب و جرح، قتل، ناامنی، ترس از ورود به محیط اجتماعی، عدم اطمینان نسبت به دیگران، عدم اعتماد اجتماعی، آنومی اجتماعی و ... تنها بخشی از مسائل اجتماعی است که در نتیجه این پدیده بروز خواهد کرد. اما تبعات این پدیده در سطح کلان نیز بسیار آسیب‌زا است. عدم پیشرفت و توسعه اجتماعی، فرهنگی، تعصبات و عقب‌ماندگی ملی و ... از جمله این عوامل است. در واقع در شرایط افزایش نزاع و درگیری جامعه‌ای بی‌نظم به‌وجود خواهد آمد که چرخه‌ای از ناامنی را تولید و بازتولید خواهد نمود و قطعاً در این شرایط نمی‌توان منتظر تحولی مثبت در عرصه زندگی اجتماعی انسان بود. در چنین جامعه‌ای حضور افراد در عرصه

1- Boulding

عمومی آرزویی دست نیافتنی است. شهرستان بندرعباس یک شهر تجاری است و افراد از شهرستان‌های مختلف به این شهر مهاجرت می‌کنند این وضعیت علاوه بر در پی داشتن آثار مثبت از قبیل توسعه روابط فردی، فرهنگی، اجتماعی و توسعه شهر، می‌تواند آثار نامطلوبی از قبیل اختلافات، نزاع‌ها، کشمکش‌های اجتماعی و سیاسی را به وجود آورد و انسجام اجتماعی آن را در معرض نابودی قرار داده است. در این تحقیق به دنبال بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی موثر بر پدیده نزاع و درگیری خیابانی در این شهر هستیم. به عبارت دیگر سوال اصلی این تحقیق این است که عوامل اجتماعی موثر در بروز نزاع‌های خیابانی در شهر بندر عباس کدامند؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

افشانی و دیگران (1394) در تحقیقی به بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع می‌باشد. از سوی دیگر نتایج این نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری به نزاع دارند و بین افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که در مجموع متغیرهای مستقل 96 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

خراطها و جاوید (1384) پژوهشی با عنوان «بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران» با استفاده از روش پیمایشی انجام داده‌اند. اطلاعات به دست آمده از 5086 نفر از طرفین نزاع نشان می‌دهد که گروه سنی 20 تا 29 سال، مرتکب بیشترین جرم نزاع شده‌اند. جنسیت 83 درصد از افراد مرتکب نزاع در شهر تهران مرد و 17 درصد بقیه زن هستند. 63 درصد از این افراد متأهل و 37 درصد از طرفین درگیری را افراد مجرد تشکیل می‌دهند. به لحاظ سطح تحصیلات، 31 درصد منازعان دیپلم، 26 درصد راهنمایی، 18 درصد را تحصیل کردگان را افراد دارای تحصیلات ابتدایی تشکیل می‌دهند. بیشترین افراد منازعه کننده درآمدی بین 100 تا 200 هزار تومان داشته که 47 درصد از کل جامعه آماری را تشکیل داده‌اند. (خراطها و جاوید، 1385: 37)



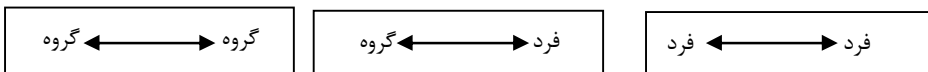
واحدی و دیگران (1392) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهر خوی نشان دادند که بین متغیرهایی نظیر سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی با نزاع رابطه معناداری وجود دارد. اما بین متغیرهای پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی با نزاع رابطه معناداری مشاهده نشد. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و حجم نمونه آماری نیز 384 نفر بوده است. چارچوب نظری این تحقیق شامل نظریه آنومی دورکیم، نظریه گسست اهداف و وسایل مرتون، نظریه ناکامی منزلتی آلبرت کوهن و نظریه درون فهمی کزرفتاری دیوید ماتزا می باشد.

تحقیق حاضر از حیث توجه به نزاع‌های خیابانی (درون شهری) که گاه متمرکز بر نزاع‌های جمعی و گاه فردی است متمایز از تحقیقات پیشین است. در واقع در این تحقیق سعی شده است تا هم به نزاع‌های جمعی و هم به نزاع‌های فردی توجه شود.

تعریف نزاع و دسته‌بندی آن

نزاع، خصومت یا دشمنی دو نفر باهم با زبان یا با استعمال اسلحه می‌باشد. نزاع افکندن به معنی ایجاد خلاف، کشمکش، دشمنی کردن و منازعه برپا کردن است (دهخدا، 1341: 440). منازعه به معنی نزاع کردن و ستیز کردن می‌باشد (معین، 1387: 1155). نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و از نظراسولوی مستقیماً قابل رویت، حداقل بین دونفر (شایان مهر، 1388: 232؛ به نقل از عشایری، 1392: 24). دسته‌بندی‌های مختلفی از نزاع ارائه شده است که می‌توان به چند مورد از آنها اشاره کرد:

الف- نزاع از نظر کنشگرانی که درگیر در واقعه هستند، شامل نزاع فردی و گروهی است. در نوع اول در هر طرف نزاع یک نفر قرار دارد. اما در حالت دوم یک گروه با گروه دیگر درگیر می‌شود. بنابراین از نظر افراد درگیر در نزاع حالت زیر متصور است:



ب- از نظر انگیزه‌ها و عوامل شکل‌گیری به چهار دسته تقسیم می‌شوند: 1- خانوادگی 2- قومی، فرهنگی 3- سازمانی 4- مالی. مبنای این تقسیم‌بندی این است که

گاهی اختلافات خانوادگی و فامیلی منشا درگیری و نزاع است. در موارد دیگر تعارضات فرهنگی یا قومی میان افراد و گروه‌ها زمینه‌ساز نزاع و درگیری می‌شود. در نزاع‌های سازمانی اختلافات و تنش‌های میان کارکنان یا رده‌های سازمانی منشأ نزاع خواهد بود. و بالاخره بسیاری از نزاع‌ها به دلیل اختلافات مالی به‌وجود می‌آید. البته در برخی از نزاع‌ها ترکیبی از این عوامل را می‌توان هم‌زمان مشاهده کرد.

ج- از نظر آسیب‌ها و عوارض ناشی از نزاع، بر دو نوع است: نزاع 1- بدنی و جسمی 2- نزاع زبانی- گفتاری. در حالت اول نزاع عوارض جسمی و بدنی دارد در حالی که حالت دوم نزاع به مشاجرات زبانی و گفتاری محدود می‌شود.

د- نزاع از حیث سازمان‌یافتگی، بر دو گونه است: 1- نزاع سازمان‌یافته 2- نزاع بی-سازمان. نزاع سازمان یافته مبتنی بر برنامه‌ریزی قبلی و با هدف‌گذاری مشخص است. در حالی که نزاع بی‌سازمان، بدون برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری قبلی و غالباً به‌صورت بازتابی و ناگهانی رخ می‌دهد. این نوع نزاع را «ناخواسته» نیز می‌نامند که فرد به‌صورتی ناخواسته و تصادفی یا ناچاری در آن درگیر می‌شود و در مقابل نزاع خواسته و ابزاری قرار می‌گیرد. اغلب نزاع‌های نوع بی‌سازمان و ناخواسته هستند، اگر چه ادامه آنها می‌تواند به شکلی هدفمند و سازمان‌یافته استمرار یابد.

ر- از حیث محل وقوع نزاع ممکن است در اماکن عمومی مانند خیابان، محل کار و محل تحصیل یا محافل خصوصی مانند خانه و محافل دوستانه و خویشاوندی صورت گیرد. بنابراین از این حیث نزاع بر دو گونه است: 1- نزاع در اماکن عمومی 2- نزاع در اماکن خصوصی (هاشمی، 1387: 31).

از دیدگاه هیرشی نابهنجاری ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی¹ به‌وجود می‌آید. این نحوه تبیین، وقوع کجروی را بر حسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند و مدعی است: هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد، از وقوع، جلوگیری می‌شود؛ اما وقتی کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف بوده یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌گردد (سلیمی و

1- Social Control



داوری، 1380: 390). فرض اصلی نظارت یا کنترل اجتماعی ارضا نشدنی بودن ماهیت انسان است. از نظر هیرشی کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد. وی معتقد است که چهار عنصر اصلی موجب تحکیم پیوند فرد و جامعه می‌شوند: 1- وابستگی، 2- تعهد، 3- درگیری، 4- اعتقاد (بخارایی، 1393: 501). از دیدگاه کنترل اجتماعی، نزاع مانند دیگر اشکال بزهکاری، معلول کاهش فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. بر اساس نظریه کنترل می‌توان گفت، زمانی که کنترل اجتماعی پلیس در جامعه ضعیف گردد متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که خود منجر به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی شده و بالاخره در اثر آن گرایش به نزاع بیشتر می‌شود. بر اساس نظریه کنترل می‌توان گفت، زمانی که کنترل والدین بر فرزندان ضعیف گردد متقابلاً گرایش به سوی گروه‌های منحرف بیشتر می‌شود که این خود سبب گرایش به رفتار انحرافی و نزاع می‌گردد. الگوی کنترل اجتماعی هیرشی که گاه این الگو با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه بر می‌شمرد. نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خویش می‌گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی باهم نداشته باشند. تئوری دورکیم عدم وفاق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و یا همبستگی (یا انسجام) را عامل بروز انحراف می‌داند و در واقع انحراف پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هر قدر میزان بی‌هنجاری و عدم وفاق در مورد هنجارها بیشتر شود انحراف و کجروی نیز افزایش می‌یابد (محسنی تبریزی، 1383: 54-55). از نظر «دورکیم»، فروپاشی «وجدان جمعی» یا تضعیف آن، یعنی: تضعیف یا فروپاشی نظام فرهنگ در جامعه سنتی، عامل پیدایش عدم تعادل و بی‌نظمی بوده و باعث نابودی همبستگی اجتماعی می‌گردد؛ دورکیم بر این باور است که هرگاه وضعیت هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند، در آن صورت کج رفتاری اجتماعی پدید خواهد آمد (گیدنز، 1373: 79-80). دورکیم معتقد بود زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی یعنی نوعی

احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کجروی و نزاع است (حسین‌زاده و همکاران، 1390: 35). از نظر گیدنز مفهوم آنومی دورکیم بدین معناست که در جامعه سنتی هنجارها و معیارهای سنتی در جوامع مدرن متزلزل می‌شوند، بی‌آنکه هنجارها و معیارهای تازه‌ای جای آن را بگیرند. هرگاه که معیارهای روشن و شفافی برای هدایت رفتارها در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد، آنومی پدید می‌آید؛ به اعتقاد دورکیم، در چنین اوضاع و احوالی مردم احساس بی‌هدفی و اضطراب می‌کنند (همان، 301). از سوی دیگر دورکیم بین آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی رابطه برقرار می‌کند؛ بدین گونه که هرچه صنعتی شدن بیشتر باشد و تقسیم کار بیشتر گردد، سطح آنومی بیشتر خواهد بود (علیوردی نیا، 1382: 132). در شرایط آنومیک که بیماری جامعه مدرن است به علت تضعیف هنجارها زمینه مناسب کج رفتاری فراهم می‌شود. بنابراین دورکیم با تقسیم کار اجباری که آن را منبع شرایط آنومیک می‌داند مخالف است. از این رو، وی منبع اصلی شرایط آنومیک در همبستگی اورگانیک را دو چیز می‌داند: 1- شرایط آنومی 2- گسترش فردگرایی (بخارایی، 1393: 454). مرتن با پیروی از نظریه آنومی دورکیم، انحراف جرم و بزهکاری را ناشی از گسست و انفعال بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت دسترسی به آنها می‌داند. از این رو جرم از شخصیت‌های مرضی ناشی نمی‌شود و مسئله‌ای فردی نیست بلکه امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است (محسنی تبریزی، 1383: 3-62). مرتن فرض کرد که موقعی که بین اهداف از نظر فرهنگی ارزش‌گذاری شده (مانند پول و ثروت، آموزش و تحصیلات، کالاهای مصرفی و غیره) و وسایل قانونی قابل دسترس برای رسیدن به این اهداف، عدم تطابق به وجود آید، افراد ممکن است که عکس‌العمل‌های متفاوت داشته باشند. (کلدی، 1378: 55). مرتن ادعا می‌کند که واکنش مردم به اختلاف بین اهداف مورد تایید و وسایل مورد تایید برای دستیابی به آن اهداف به یکی از روش‌های زیر صورت می‌گیرد و به قبول یا رد اهداف و وسایل بستگی دارد. این شکاف بین ابزار مشروع و اهداف فرهنگی، چهار نوع کجروی ایجاد می‌کند که عبارتند از:

- 1- نوآوری به کار بردن ابزار و وسایل جدید و غیرقانونی برای دستیابی به اهداف فرهنگی.
- 2- شعایرگرایی: صرف نظر کردن از اهداف فرهنگی و تاکید افراطی بر ابزار و وسایل مشروع.
- 3- انزواگرایی: چشم‌پوشی افراد از اهداف فرهنگی و وسایل و هنجارهای نهادی شده.



4- شورش: جایگزینی نظام جدید به جای اهداف و ابزار موجود (بخارایی، همان: 460)

بسیاری از محققان هوش فرهنگی¹ را توانایی فرد در انجام اثربخش وظایف در موقعیت‌های متفاوت فرهنگی تعریف کرده‌اند (ارلی و آنگ²، 2003). توماس و اینکسون برآنند که هوش، نوعی شایستگی چندوجهی است که شامل دانش فرهنگی عمل متفکرانه و فهرستی از مهارت‌های رفتاری می‌شود (توماس و اینکسون، 2005). توماس و ارلون هوش فرهنگی را به‌عنوان نظامی از توانایی‌های تعاملی تعریف کرده‌اند. ارلی و آنگ هوش فرهنگی را ساختار مستقلی از فرهنگ می‌دانند که در شرایط خاص فرهنگی به‌کار می‌رود. این نوع از هوش، فهم تعاملات بین فرهنگی را بهبود می‌بخشد (ارلی و آنگ، 2007) برای اینکه فرد از لحاظ فرهنگی باهوش شناخته شود باید در موقعیت‌هایی که برداشت‌ها و اشارات مختلفی وجود دارد، بتواند قضاوت و عملکرد مناسب و درستی داشته باشد و درک و فهم صحیحی به‌دست آورد (توماس³، 2006:123). افرادی که از سطح هوش فرهنگی بالاتری برخوردار باشند در ابراز عواطف و حالات فیزیکی تسلط بیشتری دارند (احمدی و قاسمی، 1391:4). برخی دیگر از محققان، هوش فرهنگی را توانایی کلی در تعامل مؤثر با افراد دیگر با زمینه‌های فرهنگی مختلف تعریف نموده‌اند و از این رو، در تعریف هوش فرهنگی عمدتاً بر تعاملات و رفتارهای درون فرهنگی تأکید دارند تا رفتارهای عاطفی و منطقی (جانسون و همکاران، 2006). از نظر توماس و اینکسون هوش فرهنگی داشتن مهارت و انعطاف در درک فرهنگ و پذیرش بیشتر آن و توانایی در برقراری ارتباط فکری و عاطفی و رفتاری هنگام تعامل با افرادی از فرهنگ‌های دیگر است (احمدی و قاسمی، 1391:5). هوش فرهنگی رفتاری، نوعی قابلیت فردی برای نمایش اعمال مناسب شفاهی و غیرشفاهی هنگام تعامل با افراد دیگر در زمینه‌های فرهنگی است. هوش فرهنگی رفتاری، بر اساس داشتن و کاربرد فهرست گسترده‌ای از رفتارهاست. هوش فرهنگی اشاره به طیف گسترده‌ای از مهارت‌های رفتاری است که افراد دارند و می‌توانند به شکل مناسبی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود را در موقعیت‌های جدید فرهنگی بروز دهند (لنگ و دین⁴، 2008:123). از

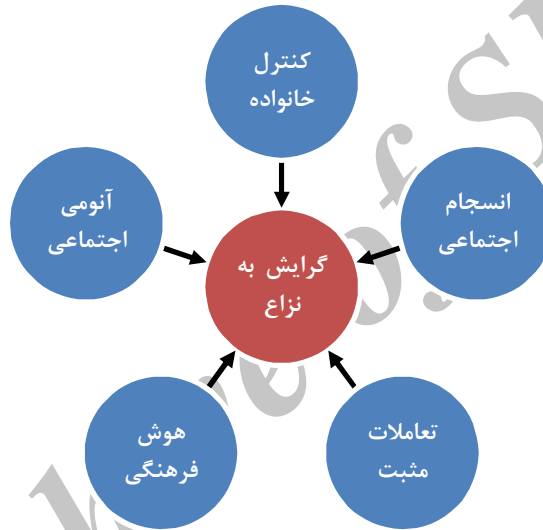
1- Cultural Intelligence

2- Earley & Ang

3- Thomas

4- Ang & Dyne

توضیحات فوق می‌توان چنین استنباط کرد که هرگاه در جامعه‌ای ظرفیت هوش فرهنگی بالا باشد شاهد تعامل موثر و سازنده بین افراد هستیم و هرگاه این ظرفیت کاهش یابد تعاملات و روابط بین افراد دچار خدشه می‌شود. به عبارت دیگر هر جامعه‌ای که دارای هوش فرهنگی بالاتری است، رفتارها و تعاملات افراد نیز مناسب‌تر، گسترده‌تر و سالم‌تر است اما برعکس هر چه در جامعه‌ای هوش فرهنگی کمتر و پایین‌تر باشد رفتار افراد با یکدیگر ناسالم‌تر و آسیب‌پذیرتر بوده و تنش، خصومت و نزاع در آن نیز بیشتر خواهد بود. مدل مفهومی این تحقیق به شکل زیر است:



فرضیه‌های تحقیق

- 1- کنترل خانواده بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.
- 2- تعاملات مثبت بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.
- 3- آنومی اجتماعی بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.
- 4- انسجام اجتماعی بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.
- 5- هوش فرهنگی بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.
- 6- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی موثر است.



روش شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده و داده‌های تحقیق نیز با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مردان 15 تا 50 ساله شهر بندرعباس بوده و حجم نمونه در این پژوهش 383 نفر می‌باشد که این حجم با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. شیوه نمونه‌گیری، شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. محقق نیز پس از ورود داده‌های جمع‌آوری شده به نرم‌افزار SPSS اقدام به تحلیل آنها نموده است.

جدول شماره 1: تعریف عملیاتی متغیرها

ردیف	عنوان متغیر	تعریف عملیاتی
1	آنومی اجتماعی	اهمیت ندادن به مردم - بی اعتمادی - حساب و کتاب نداشتن برای آینده - رسیدن به هدف با هر وسیله اهمیت ندادن به آینده
2	چگونگی رابطه والدین با افراد	تند برخورد کردن والدین، حرف اول و آخر را پدر کنترل خانواده و مادر زدن، اجازه دادن خانواده برای گفتن نظرات خود، قدرت بیشتر بزرگترها، انجام دادن حرفای رئیس خانواده - منطقی بودن
3	ارتباط با دوستان مذهبی، ارتباط با افراد هنجارشکن، مرادده با افراد مثبت اندیش، مراقبت از خود در جهت ارتباط با افراد نابهنجار، پرهیز از ورود به گروه های ناهمنوا و نامتعارف	تعاملات مثبت
4	مشارکت کردن در رفع مشکل دیگران - مطرح نمودن مشکلات خود با دیگران - میزان احساس انزوا - تعداد دوستان صمیمی - میزان معاشرت با دوستان صمیمی	انسجام اجتماعی
5	رفتار کردن با هوشیاری و آگاهی هنگام روابط با افراد، ساده برخورد کردن با افراد جدید و ناآشنا، احساس خوب هنگام هم‌نشینی با افراد از فرهنگ‌های دیگر، اطمینان از برقراری ارتباط با سایر افراد، کوتاه آمدن به هنگام مواجهه با رفتار جدید مخالف	هوش فرهنگی
6	اختلاف در مسائل مالی - اختلاف در مسائل ملکی - توهین به فامیل یا خانواده، برخورد با مسائل ناموسی - بی‌احترامی به اجداد و ریش‌سفیدان، اهانت به خویشاوندان نزدیک، مقابله با حرف زور،	گرایش به نزاع خیابانی

یافته های تحقیق

خلاصه آمار توصیفی پاسخگویان بدین شکل است که از 383 نفر پاسخگو بیشترین تعداد 110 نفر (28/7 درصد) بین 25-30 سال و 19 نفر (5 درصد) بین 45-50 سال دارای کمترین میزان فراوانی هستند. 198 نفر (7/51 درصد) مجرد و 185 نفر (3/48 درصد) متأهل هستند. 183 نفر (8/47 درصد) دارای شغل آزاد و بازنشستگان با 6 نفر

1/6) در صد) کمترین تعداد پاسخگویان را دارا هستند. به لحاظ تحصیلات، 5 نفر (1/3) در صد) بی‌سواد، 116 نفر (30/3) در صد) دارای تحصیلات دیپلم، 76 نفر فوق دیپلم (19/8)، لیسانس 94 (24/5)، فوق لیسانس 38 نفر (9/9)، دکترا 7 نفر (1/8) هستند. بالاترین درآمد مربوط به 96 نفر (25/1) درصد) از پاسخگویان بوده که بین 1 تا 1/5 میلیون تومان در ماه درآمد داشتند و 52 نفر (13/6) در صد) بین 1/5 تا 2 میلیون تومان در ماه به عنوان پایین‌ترین میزان درآمد بودند.

جدول 2: توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرهای تحقیق	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
بعد رفتاری نزاع فردی	23/8	21/4	25/3	18/0	11/5	3/27
بعد رفتاری نزاع جمعی	3/4	23/0	38/1	26/1	9/4	3/19
بعد شناختی نزاع فردی	9/4	30/3	34/2	17/8	8/4	3/36
بعد شناختی نزاع جمعی	4/4	38/1	42/3	12/3	2/9	3/67
هوش فرهنگی	3/4	36/9	56/9	2/3	8/8	3/413
انسجام اجتماعی	2/6	26/1	52/7	15/1	3/7	3/16
آنومی اجتماعی	8/4	27/9	33/9	24/8	2/3	3/34
کنترل خانواده	16/7	48/0	28/5	5/7	1/0	3/76
تعاملات مثبت	36/0	29/2	20/1	11/2	3/1	3/84

با توجه به جدول فوق، میانگین نظرات افراد در مورد نزاع 3/4314 است و انحراف معیار 0/74096 چون مقدار انحراف استاندارد کم است پراکندگی نمرات از میانگین نیز کم است؛ بنابراین گروه مورد مطالعه از لحاظ گرایش به نزاع خیابانی تجانس بیشتری دارد و نظر اکثر پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا (50/1) است و بر اساس آمارهای پراکندگی مرتبط با نزاع فردی و جمعی در بعد رفتاری و شناختی می‌توان گفت که میزان گرایش به نزاع خیابانی در حد متوسط رو به بالا شده است. با توجه به نحوه سنجش متغیرهای تحقیق و براساس نتایج جدول فوق میزان هر یک از متغیرهای تحقیق (هوش فرهنگی، انسجام اجتماعی، آنومی اجتماعی، کنترل خانواده و تعاملات مثبت) بیش از حد متوسط است.



جدول 3: نتایج آزمون همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعاملات مثبت	کنترل خانواده	آنومی اجتماعی	انسجام اجتماعی	هوش فرهنگی	سن	درآمد		
									همبستگی پیرسون	گرایش به نزاع
		-0/291	-0/065	0/374	-0/157	-0/053	-0/251	-0/214	تایید/عدم تایید	تایید/عدم تایید
		0/000	0/214	0/000	0/003	0/183	0/000	0/000	تایید	تایید
		تایید	عدم تایید	تایید	تایید	عدم تایید	تایید	تایید	تایید	تایید

بر اساس نتایج جدول فوق می توان گفت که بین متغیرهای مستقل تعاملات مثبت، آنومی اجتماعی، انسجام اجتماعی، سن و درآمد با میزان گرایش به نزاع و درگیری خیابانی رابطه معناداری وجود دارد. وجود این رابطه معنادار بیانگر آنست که با بالا رفتن یا پایین آمدن هر یک از متغیرهای مستقل میزان متغیر وابسته نیز بالا یا پایین خواهد رفت. علامت منفی ضریب همبستگی پیرسون به معنای وجود رابطه معکوس بین متغیر مستقل و وابسته است. باید گفت هر چند رابطه معناداری بین متغیر هوش فرهنگی و گرایش به نزاع مشاهده نشد اما وجود این رابطه منفی حکایت از رابطه ای معکوس دارد و شاید بتوان با تغییر در شیوه نمونه گیری به نتایج بهتری درباره آن رسید.

جدول 4: نتایج آزمون مقایسه میانگین گرایش به نزاع های خیابانی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	مقدار T	سطح معنی داری
مجرد	194	42/11	8/407	0/603	2/1	0/036
متاهل	185	40/19	9/345	0/687		

بر اساس جدول فوق آزمون مقایسه میانگین گرایش به نزاع های خیابانی به حسب وضعیت تأهل مبین این است که بین وضعیت تأهل و گرایش به نزاع خیابانی رابطه معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر افراد متاهل کمتر از افراد مجرد به نزاع های خیابانی گرایش دارند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره گرایش به نزاع‌های خیابانی

جدول 5: آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره میزان گرایش به نزاع‌های خیابانی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
1	0/509	0/259	0/247	6/82204

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها 50/9 است؛ یعنی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (گرایش به نزاع خیابانی) همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر 0/247 است نشان می‌دهد که 24/7 درصد از کل تغییرات میزان گرایش به نزاع خیابانی را در بین شهروندان بندرعباس وابسته به 6 مؤلفه (تعاملات مثبت، آنومی اجتماعی، انسجام اجتماعی، سن، تحصیلات و متوسط درآمد خانواده) هستند.

جدول 6: آنالیز واریانس رگرسیون چند متغیره گرایش به نزاع‌های خیابانی

تغییرات مربع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	5793/545	6	965/591	20/747	0/000
خطا	15289/451	356	46/540	-	-
کل	21680/190	362	-	-	-

با توجه به نتایج جدول بالا مقدار به دست آمده F (20/74) که در سطح خطای کوچک‌تر از 0/01 معنی‌دار است نشان می‌دهد متغیرهای مستقل از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادرند به خوبی تغییرات و واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول 7: نتایج جدول رگرسیون چند متغیره تحقیق

مؤلفه‌ها	B	بتا	T	سطح معنی‌داری
تعاملات مثبت	-0/623	-0/184	3/766	0/000
آنومی اجتماعی	0/321	0/234	4/511	0/000
انسجام اجتماعی	-0/108	-0/109	-2/223	0/027
سن	-0/814	-0/164	-3/465	0/001
سطح تحصیلات	-0/759	-0/135	-2/766	0/006
متوسط درآمد خانواده	-0/473	-0/082	-1/643	0/101

با توجه به جدول بالا ضرایب رگرسیونی استاندارد شده برای مؤلفه تعاملات مثبت (-0/184)، آنومی اجتماعی (0/234)، سن (-0/137)، تحصیلات (-0/135) و سن



(0/164-) در سطح خطای کوچک‌تر از (0/01) معنی‌دار است و انسجام اجتماعی (0/109-) در سطح خطای کوچک‌تر از (0/05) معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم که مؤلفه‌های تعاملات مثبت، آنومی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تحصیلات و سن شهروندان بندرعباسی بر گرایش به نزاع خیابانی آن‌ها مؤثر است، یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در مولفه رابطه دوستان میزان گرایش به نزاع خیابانی در فرد به میزان 0/184- انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت و مولفه متوسط درآمد خانواده به خاطر اینکه سطح خطای مقدار t آن بالاتر از 0/05 است، نشان دهنده این است که بر متغیر گرایش به نزاع خیابانی تأثیر ندارد؛ بنابراین آنومی اجتماعی با بیشترین ضریب رگرسیونی بتا (0/234-) بیشترین تأثیر و متغیر انسجام اجتماعی با کمترین ضریب رگرسیونی بتا (0/109-) کمترین تأثیر را بر متغیر گرایش به نزاع خیابانی داشته است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این تحقیق مطالعه عوامل جامعه‌شناختی موثر بر نزاع‌های خیابانی در شهر بندرعباس است. خلاصه آمار توصیفی پاسخگویان بدین شکل است که از پاسخگو بیشترین تعداد 110 نفر (28/7 درصد) بین 25-30 سال و 19 نفر (5 درصد) بین 45 تا 50 سال دارای کمترین میزان فراوانی هستند. 198 نفر (7/51 درصد) مجرد و 185 نفر (3/48 درصد) متأهل هستند. 183 نفر (8/47 درصد) دارای شغل آزاد و بازنشستگان با 6 نفر (6/1 درصد) کمترین تعداد پاسخگویان را دارا هستند. به لحاظ تحصیلات، 5 نفر (3/1 درصد) بی‌سواد، 116 نفر (3/30 درصد) دارای تحصیلات دیپلم، 76 نفر فوق دیپلم (8/19)، 94 نفر لیسانس (5/24)، 38 نفر فوق لیسانس (9/9)، 7 نفر دکترا (8/1) هستند. بالاترین درآمد مربوط به 96 نفر (1/25 درصد) از پاسخگویان بوده که بین 1 تا 1/5 میلیون تومان در ماه درآمد داشتند و 52 نفر (6/13 درصد) بین 1/5 تا 2 میلیون تومان در ماه به‌عنوان پایین‌ترین میزان درآمد بودند. نتایج توصیفی متغیر گرایش به نزاع نشان می‌دهد که میزان گرایش به نزاع خیابانی در شهر بندرعباس بیش از حد متوسط است. نتایج آزمون استنباطی این تحقیق نشان داد که بین متغیرهای کنترل اجتماعی غیررسمی (تعاملات مثبت)، آنومی اجتماعی، انسجام اجتماعی و میزان گرایش به نزاع و درگیری خیابانی رابطه معناداری وجود دارد. اما بین

متغیر کنترل خانواده و میزان گرایش به نزاع و درگیری خیابانی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و نزاع حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات و سن با میزان گرایش به نزاع نیز رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر رود و نیز اگر افراد متاهل باشند تمایل آنها به گرایش به نزاع خیابانی نیز کمتر خواهد بود. نتایج این تحقیق با نظریه دورکیم بسیار همخوانی دارد. مسئله بنیادی اندیشه دورکیم مسئله نظم اجتماعی است. از دید وی تقسیم کار یک امری اخلاقی است، زیرا موجب همبستگی و تأمین اجتماعی خواهد شد. دورکیم می‌گوید هر جا که همبستگی اجتماعی نیرومندی باشد، این همبستگی عامل نیرومندی ارتباطشان با یکدیگر خواهد بود. اعضای جامعه هرچه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون بیشتری با هم و کلیت گروه خواهند داشت، زیرا اگر برخوردهایشان نادر باشد، وابستگی‌شان نسبت به هم به‌شیوه‌ای متناوب و سست خواهد بود. دورکیم در تحلیل از تقسیم کار دو قاعده را در پیوستگی جوامع و جلوگیری از فروپاشی از بی‌نظمی درونی اصل قرار داد. این دو نوع جامعه با دو نوع همبستگی ارتباط دارد. یکی همبستگی مکانیکی و دوم، همبستگی اورگانیکی. اولی مبتنی بر شباهت و دومی مبتنی بر تفاوت است. وی به تأثیر همبستگی اجتماعی در نزدیک‌تر کردن افراد به یکدیگر و تشدید ارتباط میان آنها اشاره دارد. به نظر وی هر جا که همبستگی اجتماعی نیرومندتر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به همدیگر خواهد بود و باعث تشدید تماس میان آنها و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباطشان به یکدیگر خواهد شد (دورکیم، 1369: 76-75). دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند. ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به‌سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند (ستوده، 1384: 134). در جامعه جدید بنیان اصلی اخلاقیات و همبستگی اجتماعی، رشد و شکوفایی فردگرایی است، یعنی شکوفایی آزادانه نیروی اجتماعی که درون هر فرد وجود دارد. در تقسیم کار بهنجار، خود واقعی فرد که شامل توانایی‌های ویژه و استعداد‌های ذاتی وی است، مجال رشد کردن می‌یابد. در این نظام، افراد به جایگاه مناسب خود در جامعه دست می‌یابند و به خواسته‌های خود می‌رسند و در عین حال توانایی خود را برای رفع حوائج جامعه به حداکثر



می‌رسانند، ولی در تقسیم کار اجباری، افراد قدرتمند بر حسب منافع شخصی و خودخواهی عمل می‌کنند و با قواعد خود، پایگاه برتر خود را حفظ و دیگران را وادار به اجرای نقش‌هایی می‌کنند که با در نظر گرفتن توانایی‌ها و علایق آنها، مناسب و عادلانه نیست. با وجود این، شرایط اجباری تا اندازه‌ای قادر به ایجاد همبستگی است ولی به صورت ناقص و مسئله‌ساز و خطر فروپاشی نهایی آن را تهدید می‌کند. در چنین نظامی خیر جامعه و اکثر شهروندان، تابع اهداف خودخواهانه عده‌ای محدود است. وی آنومی را بیماری جامعه مدرن دانسته و آن را منتسب به همبستگی اورگانیک می‌داند. از نظر وی آن را همراه با تضعیف و تلاشی و گذر از ساخت مکانیکی به ساخت ارگانیکی جامعه می‌داند. در دیدگاه دورکیم، آنومی به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به‌عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است، به‌کار رفته است (محسنی تبریزی، 1383: 52). در این دیدگاه، زمانی شرایط آنومیک در یک جامعه ایجاد می‌شود که قواعد رفتاری از بین رفته یا در اثر تغییرات سریع اجتماعی یا بحراهای اجتماعی مثل جنگ، قحطی و تورم به‌خوبی عمل نمی‌کند، چنین جامعه‌ای ناتوان از کنترل آرزوها و تقاضاهای افراد است (سیگل، 201:2001). در سایه چنین دگرگونی‌های نهادی و فرهنگی ناشی از ظهور مدرنیسم، نظارت اجتماعی سنتی اثراتش را از دست داده و اغتشاش در هنجارها را به‌وجود می‌آورد. در واقع در وضعیت آنومی حالتی از بحران (به تعبیر دورکیم) حاصل می‌آید که در این شرایط پریشانی یا به قول خود دورکیم شر یا آناشرشی جامعه را در بر می‌گیرد. اگر به قول وی آنومی را شر تلقی کنیم، بیش از هر چیز به خاطر آن است که جامعه در رنج می‌باشد و نمی‌تواند برای زنده ماندن از پیوستگی چشم‌پوشد (دورکیم، 11:1369) و چون مربوط به وجدان جمعی است، جامعه و فرد همزمان از آن رنج می‌برند. از نظر وی تنها قواعد اخلاقی است که می‌تواند بر شهوات سیری‌ناپذیر بشر لگام بزنند و او را مهار کنند. در اینجا دورکیم آنومی را به‌معنای ناتوانی از خودداری ورزیدن در مقابل شهوات سرکش و سیری‌ناپذیر و زیاده‌خواه می‌داند (رجب‌زاده و کوثری، 5:1381). قطعا در شرایط فقدان اخلاق جمعی جامعه آسیب محملی برای تنش خواهد بود. می‌توان انتظار داشت در چنین وضعیتی نیروی لذت‌جویی اخلاق را بگیرد و حریم افراد را درنوردد. به بیان دورکیمی، آنومی ناخرسندی از کل قواعد اخلاقی، نفرت از کل نظم و به‌معنای

توهین به اخلاق است. در واقع در شرایط آنومیک که مترادف با فساد و انحراف اخلاقی است، این دو عنصر آسیب می‌بینند(همان). در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که به‌جای عدالت، تعدی و به‌جای تعادل، تضاد بر رفتار افراد حاکم شود و تنش سراسر جامعه را در بر گیرد. در جامعه‌ای که به‌جای همبستگی، تعلق خاطر افراد و روابط گرم بین آنها، دوری و جدایی وجود دارد، نمی‌توان منتظر بود که پیوندهای گرم اجتماعی شکل گیرد. در واقع، خودخواهی افراد در رسیدن بر اهدافشان و عدم توجه به نیازهای دیگر افراد، در کنار بی‌اعتمادی باعث می‌شود افراد، فردگرایی را بر جمع‌گرایی ترجیح دهند. در این شرایط می‌بینیم سوءظن به دیگری مانع رفت و آمد بین افراد و ارتباط می‌شود. افراد نسبت به دیگران احساس ترس می‌کنند. در این شرایط حتی افراد نیز از خود دور می‌شوند و به عبارت دیگر از خود بیگانه می‌شوند. در این وضعیت مبادله و دلبستگی را کاهش می‌دهد، از تبادل پایدار دایمی و افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند. در چنین شرایطی، روابط و مبادلات نامتقارن و همچنین روابط گفتمانی تضعیف می‌شود و به‌قول اریک فروم از احساس مشارکت در روابط گرم و صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند. بنابراین نتیجه این شرایط، هرج و مرج، نابهنجاری، پریشانی، آشوب، از هم گسیختگی، نابسامانی و بحران [اجتماعی در زندگی روزمره] است(مستروویچ، 1985:88؛ به نقل از رجب زاده و کوثری، همان).

تغییرات اجتماعی ← تضعیف انسجام و هنجارهای اجتماعی ← آنومی اجتماعی ← نزاع و درگیری فردی

مکانیسم بروز نزاع و درگیری فردی بر مبنای نظریه دورکیم

راه‌حل دورکیم در چنین وضعیتی، عدالت است. عدالت می‌تواند جامعه را به هم ننگه دارد چرا که نوعی قواعد جدید بین فرد و جامعه پدید می‌آورد. در واقع عدالت درمانی است برای آنومی. به عبارت دیگر، کاری که باید کرد این است که آنومی را از میان برداریم و راهی بیابیم که اندام‌های اجتماعی موجود با یکدیگر سازگار شوند(رجب‌زاده و کوثری، همان). مقایسه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق افشانی و دیگران در سال 1394 نشان می‌دهد که در هر دو تحقیق با بالا رفتن سن افراد میزان گرایش به نزاع کاهش می‌یابد و اینکه گرایش به نزاع در افراد متاهل کمتر از افراد مجرد است. مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیق صورت گرفته توسط واحدی و دیگران در سال 1394 نشان می‌دهد که در هر دو



تحقیق بین متغیرهای آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی و سن با متغیر گرایش به نزاع رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق نیز یافته‌های تحقیق عبداللهی و چلبی (1372) در تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های دسته‌جمعی در استان لرستان را تایید می‌کند. در هر دوی این تحقیقات انسجام اجتماعی را معناداری با نزاع دارد.

پیشنهادات

1- در دین اسلام پیشنهادهای چند برای کنترل خشم ارائه شده است که می‌توان به شرح زیر ارائه داد:

الف) سکوت: خشم را با خموشی و شهوت را با خردورزی درمان کنید (امام علی (ع)).

ب) وضو: هرگاه کسی از شما خشمگین شد، با آب سرد وضو بگیرد زیرا خشم از آتش است (پیامبر اکرم (ص)).

ج) نشستن: هرکس خشمگین شود، اگر ایستاده است بی درنگ بشیند زیرا اینکار پلیدی شیطان را از بین می‌برد (امام علی (ع)).

2- با توجه به وفور سلاح‌های غیرمجاز در دست مردم شهر بندرعباس و عدم استفاده صحیح از این سلاحها که گاهی خسارات زیانباری را بدنبال داشته است، لذا با شناسایی عوامل توزیع سلاح‌های غیرمجاز و جمع‌آوری این سلاح‌ها می‌توان از بروز حوادث ناگوار جلوگیری کرد و همچنین آموزش افراد دارای سلاحهای مجاز و چگونگی نگهداری از سلاح‌های مجاز توسط نیروی انتظامی ضروری به نظر می‌رسد.

3- آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی در جامعه مدرن.

1- با توجه به مناطق حاشیه‌ای و جرم‌خیزی همچون محله سرریگ، اسلام‌آباد، داماهی، حسین‌آباد و... که نزاع در آن بشدت قابل رویت است، توجه مسئولین و دستگاه‌های مختلف جهت رسیدگی به شرایط اجتماعی و فرهنگی و انجام برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه باید در اولویت قرار گیرد.

2- آمار میزان بیکاری در شهر بندرعباس و مناطق حاشیه‌ای شهر بسیار بالاست. از جمله علل موثر در این مناطق وجود جوانان بیکار در محله‌های آنست. وجود این

- متغیر و احساس محرومیت نسبی ناشی از آن از علل سرخورده شده اهالی این مناطق است.
- 3- تلاش کافی در راستای توزیع عادلانه شاخص‌های پایگاه اجتماعی- اقتصادی و کاهش فاصله‌ی طبقاتی در جامعه صورت پذیرد تا متعاقباً فقر نیز در جامعه کاهش پیدا کند.
- 4- ناکارآمدی دستگاه‌ها و نهادهای اجتماعی در عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در برابر مشکلات افراد دست‌آویز مهمی در بروز نسیات‌خشن افراد است. عدم برآورد نیازهای افراد توسط نهادهای اداری و اجتماعی بازخورد منفی را در سطح شهر به همراه داشته است. از سوی دیگر ناکارآمدی قانون و سهل‌گیری در برخورد با عوامل درگیری باعث ازدیاد این پدیده شده است.
- 5- افزایش کنترل اجتماعی و تلاش برای سالم‌سازی ارتباطات اجتماعی مبتنی بر اخلاق اسلامی
- 6- توزیع مناسب و درست امکانات رفاهی جهت ارتقاء پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد جامعه.
- 7- برنامه‌ریزی مناسب توسط نهادهای مختلف جهت جامعه‌پذیری افراد قانون‌شکن و نابهنجار
- 8- ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب جهت بهبود روابط و تعاملات اجتماعی
- 9- تدوین و اجرای قوانین محکم جزایی برای مقابله با برهم‌زندگانه‌نظم و امنیت اجتماعی.
- 10- تلاش برای بازسازی اخلاق مدنی در جامعه و حس مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی.
- 11- برخورد قاطع و قانونمند با هنجارشکنان و برهم‌زندگانه‌نظم عمومی جامعه.



منابع

- احمدی، یعقوب؛ قاسمی، وحید(1391). اثر همدلی فرهنگی، ابتکار اجتماعی و قوم‌گرایی بر هوش فرهنگی، راهبرد فرهنگ / شماره بیستم / زمستان 1391.
- افشانی، سیدعلیرضا، نوایی، سعید، دل‌بازی اصل، مجتبی(1394). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی 9، شماره اول، بهار و تابستان 4.
- باقری، قادر زاده (1387). آسیب‌شناسی منازعه، یاسوج، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویر احمد.
- بخارایی، احمد(1393). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، جامعه‌شناسان، چاپ سوم.
- خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد (1384). بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره 6 و 7، معاونت اجتماعی ناجا.
- چلبی، مسعود و عبدالمهی، محمد (1372). طرح تحقیق توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان، استانداری لرستان.
- دورکیم، امیل (1369). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتابسرای بابل.
- دهخدا، علی اکبر (1341). لغت‌نامه فارسی دهخدا، تهران: چاپخانه‌ی دانشگاه تهران.
- رجب‌زاده، احمد، کوثری، مسعود(1381). آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، زمستان.
- ستوده، هدایت‌الله (1380). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران، نشر آوای نور.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (1386). جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیگل، لاری و سنا جوزوف(1381). بزهکاری نو جوانان، علی اکبر تاج‌مزیانی و فرامرز دزفولی ککولی، تهران: سازمان ملی جوانان.
- عشایری، طاها (1392). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکلگیری نزاع (درگیری) های دسته‌جمعی روستایی(مطالعه موردی: روستای پریخان از توابع شهرستان مشکین شهر، استان اردبیل). دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اردبیل.
- علیوردی نیا، اکبر(1382). مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 20.
- کلدی، علیرضا(1387). انحراف، جرم‌پیشگیری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره 3

- گیدنز، آنتونی (1373). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1383). وندالیسم (مبانی روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی)، تهران: نشر آن.
- معین (1387). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات کتاب آزاد.
- میر فردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق نیا، آسیه (1389). میزان گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی در میان مردان 15 تا 65 سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا و حسن زاده، مرتضی (1392). بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهر خوی، فصلنامه دانش انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی سال ششم، شماره بیست و یکم زمستان 1393.
- هاشمی، سید ضیاء (1387)، بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع، مجموعه مقالات اولین همایش تاثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یا سوچ: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان ک و ب.
- Ang, S. & V. L. Dyne. (2008). Conceptualization of Cultural Intelligence: Definition, Distinctiveness and Nomological Network. In S. Ang & L. Van Dyne (Eds.). Handbook on Cultural Intelligence. (pp. 3–15). New York: M.E. Sharpe.
- Boulding, K.E. (1962) Conflict and Defense, New York.CA.
- Earley, P. C. & S. Ang. (2003). Cultural Intelligence: Individual Interactions Across Cultures. Palo Alto: Stanford University Press.
- Earley, P.C. (2002). Redefining Interactions Across Cultures and Organizations: Moving Forward with Cultural Intelligence. Research in Organizational Behavior, 24: 271–299.
- Fisher, Ron (2000), Sources of Conflict and Methods of conflict, Resolution, International Peace and Conflict Resolution School of International Service, The American University, c. 1977, Rev. 1985,
- Johnson, J.; T. Lenartowicz & S. Apud. (2006). Cross-cultural Competence in International Business: Toward a Definition and a Model. Journal of International Business Studies. 37. 525–543.
- Thomas, D. C. (2006). Domain and Development of Cultural Intelligence: The Importance of Mindfulness. Group and Organization Management. 31 (1): 78-103.
- Thomas, D.C. & K. Inkson. (2005). People Skills for a Global Workplace. Consulting to Management. 16(1): 5–10.